

نویسنده: ژان کلود پایی (Jean Claude Paye)

منبع و تاریخ نشر: مانتهلی ریویو «01-06-2019».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

واسکت زردها در فرانسه

The yellow vests in France



جنبش واسکت زردپوشان (gilets jaunes) ابتدا در ماه اکتبر سال «2018» ظاهر شد و اکنون در همه جا در فرانسه فعال اند. هماهنگی در این مقاله نوشته شده، این بسیج ویا خیزش جمعی خود بخودی در هفته ای بیست و یکم خود بوده. تظاهرات عمدتاً در اطراف و در دورنواحی محلات ترافیکی برگزار می شود، جایی که معترضین خطوط حمل و نقل را مسدود می کنند. برابر و متناسب به آن تظاهرات سنتی سازماندهی شده در ابتدا توسط اتحادیه های صنفی، در هماهنگی با جنبش واسکت زردها از طریق شبکه های اجتماعی در اینترنت راه اندازی و فعال شد.

این تظاهرات ملی هر روز جمعه در شهرهای مختلف فرانسه از تاریخ (17) ماه نومبر

سال (2018) تا حال بصورت پیهم برگزار شده است. واسکت زرد پوشان به نفع و بُرد شان در مناطق شهری و حتی در شهرهای بزرگ به تظاهرات شان کما بی سابقه ادامه داده اند و میدهند- اما با توجه به سا زمانها و نهاد های غیر رسمی و انواع اقدامات مشکل به نظر می آید که مشارکت دقیق تعداد شمارش تظاهر کنندگان را مرقوم کرد؛ اما با آنهم به گفته ای اتحادیه ؛ پلیس (Policiers en Colère) یا ؛ (افسران پلیس عصبانی) تعداد تظاهر کنندگان وابسته به هفته، از (90000) تا « 1.3 » میلیون نفر در تغییر است. این ارقام از مواردی است که مستقیماً توسط وزارت کشور در شده است، که بقسمی تخمینی از (30) هزار تا (280) هزار معترض را وانمود کرده است. با این حال کاملاً روشن است که در رقم محدوده دوم، کم توجهی زیادی دیده میشود زیرا در غیر اینصورت تعداد پلیس بسیج شده گاهی بیشتر از تعداد جلایقه های زرد است..



امتناع از شناخت جنبش:

با داشتن چنین اختلاف نظر طوری به نظر میرسد که دولت دیگر برای سرکوب و یا به حد اقل رساندن بر عدم برگزاری تظاهرات با زی معمولی را انجام نمیدهد؛ اما دولت در عوض کاملاً از روی الزام و مجبوریت به ما نور از شناخت به رسمیت شناسی این جنبش ملی متوسل شده است تا جایکه دولت نه تنها ادعاهای تظاهر کنندگان را بلکه حتی وجود تظاهر کنندگان را نا دیده گرفته از آن انکار میکند با احتمال اینکه اگر سیاست های دولت را بتواند به چالش و یا سرپیچی کشاند.

پس از اینرو حکومت دیگری نهاد سیاسی نیست بلکه یک نهاد یا یک جنبش محافظه

کار ارتجاعی (poujadist)؛ فاشیست؛ سرخورده؛ توطیه گرو در نهایت امر ضد یهودی است.

از جمله سازمان های دولتی تنها نهادی که با تظاهر کنندگان مواجه است؛ نیروی پلیس است که تظاهر کنندگان را بعنوان مجرمین، متمردين تهدید و در تحت کنترل خود قرار میدهد دولت با شرم ساری و با خجالت زدگی از شناخت جنبش و اسکت زردپوشان امتناع می ورزد حالانکه تظاهر کنندگان به جهت وبه سمت قانونیت و مشروعیت در حرکت بوده و در موارد قانونی به دولت واکنش شان را نشان داده و چنین نشان میدهند:

ما مردم هستیم و اما جنبش با این واکنش خود در نهایت امر با خیره نگاه کردن بطرف مقابل درگیر و دستگیر شد. در نتیجه تظاهر کنندگان بخشی از خواسته های شان را به ارتباط موضوع دستمزد پنهان میکنند که بخشی از دیالکتیک شناخت میشوند و به این ترتیب تقاضا برای رفندم شهروندان موضوع مرکزی تقاضا میشود.

عدم وجود ساختاری سازمانی یکی دیگری از ویژگی های این جنبش و اسکت زرد پوشان است. مهم و درخور اهمیت این است که این صرفاً یک پیامد در از خود پنداری بودن و نحوه حرکت و رشد آن نیست؛ و اسکت زرد پوشان در واقع خواستار عدم وجود میانجیگری هستند چه که این میانجیگری از طریق احزاب سیاسی؛ جنبش ها و اتحادیه ها باشد آنها همچنین هرگونه رهبری را رد میکنند؛ با اینحال از آنجاییکه آنها خود ساختارهای اعم از دولت و ارتباط جمعی را ندارند، رسانه ای اجتماعی را انتخاب میکنند که چه کسی بنام جنبش صحبت میکند و یا که تعیین میکنند که چه کسی به استدیوهای تلویزیون دعوت شده است از این رو یگانگی ارتباط جمعی آن رسانه ای است که توسط ماشین ارتباط جمعی رسانه ای میشود.

این امتناع از شناخت مشخصه سیاست ریاست جمهوری است که در طول این تظاهرات امانوئل مکرن (Emmanuel Macron) رئیس جمهور فرانسه بحث های به اصطلاح بزرگ را برگزار کرد که تقریباً دو ماه کامل طول کشید و اما در بحث های بعدی دیگر حضور نداشت؛ رئیس جمهور در یک مونولوگ طولانی موضوعات را انتخاب کرد، پرسش ها را مطرح کرد و پاسخ ها را بخود اختصاص داد.

سازمان ویا بسیج کردن بر بنیاد سرزمین:

بسیج در اطراف ویا در محلات تولیدی سازمان داده نشده و یا به عبارتی دیگر بسیج در محلات تولیدی سازمان داده نمیشود بلکه بجای بسیج کردن ویا سازماندهی در محل تولید به سروسامان دادن در محل کار و در مدت ساعات کاری پرداخته شده است ویا توجه مبذول گردیده است از آنجاییکه امکان مسدود کردن تولید حتی بگونه جزئی وجود ندارد. لذا انسداد بروی حرکت وسایل و وسایط حمل و نقل ویا عبور مرور ترافیک در حوزه های ترافیکی جریان ویا دوران رسیدن کالاها را بمردم ویا به مشتریان کند ویا

اهسته میسازد؛ پس در این صورت شکل و ساختار مبارزه از حوزه ویا از محل تولید کالا به سمت گردشگری بحرکت می افتد ویا منتقل میشود. این یکی از ویژگی های اصلی سازمان داده شده توسط واسکت زرد پوشان است و یکی از ویژگی های دوم این واسکت زرد پوشان این است که آنها یعنی کارگران در هنگام استخدام شان بکار هدف خواسته های خود را به کارفرمایان اظهار نمیکنند بویژه کسی که در پس منظر میخواهد در دولت باقی بماند. و در واقعیت امر دستمزد خود را به دولت ارایه میکنند نه به کارفرمایان. بنا براین این خواسته ها مربوط به دستمزد مستقیم که توسط کارفرمایان پرداخت میشود دستمزدی است که توسط دولت تنظیم میشود مانند حداقل اجوره تضمین شده حالانکه دستمزد غیر مستقیم توسط مقامات عمومی اداره میشود. پس در واقع این خود یک جنبش پرولتاریایی است که خواسته های شان را در محیط تولید مجدد نیروی کار ارایه میدهند. و نه به اقدام ویا تعامل کارگری با هدف تاثیر گذاری مستقیم دستمزد و شرایط بهره وری از نیروی کار در محل کار.

واسکت زرد پوشان توسط سهمگیری و اشتراک اقشار پرولتاریایی محیطی مشخص میشوند که به این صورت در این زمان نیروهای راننده و رهنمود دهند و رهبران جنبش عمدتاً کارگران و کارکنان حوزه ها و مناطق ساحلی و دهاتی هستند که در اشتغالات و در کارهای کوچک کسب و کار مصروف کار هستند و نه کارگرانی که تعادل بین نیروهای طبقاتی را در موقعیت قوی قرار میدهند.

جنگ صنفی (class war):

اوصاف ویا کرکتر جنبش پرولتاری و واقعیتی است که شامل گروه های اجتماعی اند که در یک موقف و موقعیت نسبتاً ضعیف خود قرار دارند که بر اساس نواحی یا (territorial) و نه بر بنیاد محل کار سازماندهی شده است و این بدان مفهوم است که واسکت زرد پوشان با حضور پولیس نیرومند مواجه اند که پولیس مجهز با تمام وسایل نقلیه زرهی با اقدامات بیرحمانه در طول تظاهرات حضور داشته و به سرکوب و تهدید تظاهرکنندگان پرداخته است. حسب گفته ای مقامات دولتی مبنی بر یک گزارش مورخ (24) ماه مارچ سال (2019) اکثریت تظاهرکنندگان از طرف پلیس مورد بازخواست و بازخوانی ویا پرسش قرار گرفته اند که در حدود (8700) نفر بازداشت شده؛ (1400) نفر دیگر دستگیر و در انتظار محاکمه ویا سرنوشت خود بوده و (390) نفر تحویل محاسب شده اند.

خشونت علیه تظاهرکنندگان و روزنامه نگاران بادر نظر داشت بیش از پنجاه سال تاریخ خشونت به میزان وسط بینظیری توسط پلیس فرانسه بکار گرفته شده است سلاح های بدون داشتن جواز در هرکنج وکنار اروپا؛ فیرهای گلوله های بدون مرگبار مانند فلش توپ، استعمال گاز اشک آور و نارنجک های دستی و سنگر بسیار اذیت کننده همه و همه علیه تظاهرکنندگان مورد استفاده پلس قرار گرفت که ناشی از آن تعداد

بیشتر تظاهرکنندگان در سروته وچشمان خود زخم برداشتند. روزنامه نگار بنام دیوید د یفریسن (David Dufresne) چشم دید خود را از صحنه تظاهرات چنین انعکاس میدهد: (از ماه نومبر سال «2018» تا آغاز ماه مارچ سال «2019» به تعداد «202» نفر زخم در سر «21» نفر زخم در چشمان خود و «5» نفر دیگر در دست ها وپاهای خود زخم برداشته اند افزون بر آن یک نفر تظاهر کننده نسبت تاثیر بد گاز اشک اور بینایی خود را از دست داده و تعداد زیاد از تظاهر کنندگان در هجوم پلیس با وسایل ووسایط نقلیه صدمات زیادی دیدند و زندگی تلخی را کنون ناشی از آن سپری میکنند.)

در ماه فبروری پارلمان اروپا و سازمان ملل متحد «محدودیت های بر روش نیروهای امنیتی و پلیس به ارتباط تظاهرات» که از طرف مقامات امنیتی ویا پلیس در مقابل تظاهر کنندگان صورت میگیرد وضع و به تصویب رساندند که به موجب آن پلیس حق ندارد که به آزار واذیت تظاهر کنندگان بیش از حد بپردازد ویا که نباید در مقابل تظاهر کنندگان محدودیت های سخت را بکار بست سه نفر گذارشگر از سازمان ملل متحد نگرانی خود را مبنی بر سرکوب و برخورد دادگاه به تظاهر کنندگان ابراز داشته از مقامات مسول فرانسه تقاضا بعمل آوردند که آن مقامات در برخورد با تظاهر کنندگان بر روش های خود تجدید نظر کنند.

نمایندگان ایرو (Euro deputies) نیز به تصویب قطعنامه های در مورد محکومیت «توسل به مداخلات خشونت بار و بکار بردن نیروهای نامناسب» که توسط مقامات امنیتی علیه تظاهر کنندگان بکار برده میشود پرداختند. یعنی که نیروهای امنیتی و پلیس را از برخورد های نامناسب علیه تظاهر کنندگان بر حذر ساختند. و در کنار همچو قطعنامه ها در تاریخ (5) ماه مارچ سال (2019) شورای اروپا از فرانسه تقاضا بعمل آورد که علیه تظاهر کنندگان نباید از سلاح های مضر و بیشتر اذیت کننده استفاده صورت گیرد یعنی از گلوله های غیر مجاز نباید علیه تظاهر کننده ها کار گرفته شود.

ناپدید ساختن پرولتاریا در مردم:

مدیا یا رسانه های جمعی و مطبوعات از ترکیب طبقاتی تظاهر کنندگان انکار میکنند و آنها در دو گزارش از سرویس های اطلاعاتی مزدور و مزد بگیر خود به ارتباط «حضور گسترده» از صاحبان کسب و کار و مشاغل کوچک؛ کارگران آزاد؛ کارکنان و ستاف مدیران و تنظیم کنندگان، نگهبانان دیپوها و گدامها و مغازه ها، کارگران صنایع دستی و اعضای مشاغل آزاد طفره میروند و این جمعیت انبوهی را که در تظاهرات سهیم اند آنها را نادیده میگیرند. پس این نوع برخورد به مفهوم آن است که آنها از کرکتر جنبش پرولتری انکار میکنند یا اینحال این گزارش ها یک واقعیت جزئی را شامل میشود که آن همانا حضور واقعی کارگران مستقل است که در معرض فوران

فقر و ناتوانی (pauperized) قرار دارند.

بهر صورت با آنهم این هردو یعنی رسانه‌ها و تظاهرکنندگان از وقتیکه خودشان میزان ویا برجسپ پرولتاریا را در بین مردم ترجیح میدهند که رد کنند در اینجا است که عرصه‌ای سیاسی ویا کانفرانتیشن (confrontation) تغییر کرده است به این ترتیب مبارزه علیه دولت‌های سرمایه‌داری بعنوان جمعی میتواند به یک تقاضا برای دموکراتیزی کردن نهاد‌های ویژه از طریق اتخاذ یک میکانیزم برای تدویر یک رفرندم محبوب تبدیل شود. امکان بالاگرفتن تسهیلات جنبش واسکت زرد پوشان بادرک ناتوانی از تما یز بجای میرسد روشی راکه تظاهرکنندگان خود به تعریف آن می پردازند برای خودشان مشکل ساز است. حالانکه خواست مطلق آنها در مورد دستمزد است. که بخاطر این خواسته‌ها توسط آنها اقدامات مبنی بر اهداف دفاع از ارزش نیروی کار صورت نمیگیرد بلکه به عنوان بخشی از جنبش شهروندی، همانطور که توسط رسانه‌ها و بسیاری از جلیقه‌های زرد اشاره شده است. شخصیت کلاسیک دولت، که در خط مقدم کاهش دستمزدها و انتقال درآمد به شرکت‌ها است، رد می‌شود.

مخالفت در رابطه با کاهش دستمزد واقعی:

جنبش واسکت زرد پوشان در دفاع از قدرت خرید خود هستند — در ماه سپتمبر سال (2018) دولت اعلام کرد که افزایش مالیات بر مصرف محصولات انرژی (5، 11) در صد افزایش یافته است یعنی که مالیه را به ارتباط محصولات انرژی (5، 11) فیصد بلند برد؛ و این اقدام دولت انگیزه اولیه‌ای برای تظاهرات میشود بخصوص با توجه به اینکه هزینه‌های سوخت بخش قابل توجهی از بودجه‌های (از حساب درآمد و خرج) کارگران اطراف و حومه شهری است. بنابراین بطور کلی واسکت زرد پوشان با کاهش در قدرت خرید خود به مخالفت برمی‌خیزند و این خودواقیعتی است که با ترکیبی از عوامل چندی ایجاد ویا ظاهر میشود مثلاً رکود در دستمزد‌های مستقیم آنها؛ بدون توجه به نرخ نوسانی قیمت کالاها و کاهش دستمزد غیر مستقیم از جمله در حال رشد که دیگر برای مدت طولانی بواسطه شرکت‌ها پرداخته نمیشود. آنطوریکه مستقیماً توسط دولت پرداخت میشود. سیاست دولت در این مورد که در سال (2001) توام با مجوز استخدام بکار کارگر آغاز شد؛ شامل کمک به صاحبان ویا کارگران مشغول در کسب وکار بخاطر جبران دستمزد پایین‌تر با وجوه تخصیصیه اضافی از سوی نهادهای دولتی بدست اجرا قرار گرفت. و درآمد مکمل بدست آمده در سال (2009) ایجاد ویا جامعه تحقق پوشید. یعنی که این رهنمود ویا قانون مصوب دولت در سال (2009) جامعه عمل به تن کرد. این هردومیکا نیزم در سال (2016) با پرداخت حق الامتیاز (پرداخت اضافی) جاگزین شد که این افزایش پرداخت اضافی در دستمزدها توسط مکرون (Macron) رییس

جمهور فرانسه بعنوان واکنش به خواست واسکت زرد پوشان ارایه شد که او یعنی مکرون در طی یک برنامه تلویزیونی مورخ (10) ماه دسمبر سال (2018) رسماً اعلام کرد: که در دستمزد کارگران اجوره ایی بعد از این ماهانه دستمزد حد اقل اضافی تا (100) ایرو پرداخته میشود بدون اینکه کارفرمایان هزینه دیگری به ایرو را پرداخت کنند؛ البته که این افزایش از وجوه مالیات پرداخته میشود. یعنی بطور عمده به سایر کارگران دستمزدی و نه توسط استخدام کننده ها (شرکت ها) .

پاداش و یا حق الامتیاز پرداخت شده توسط دولت باعث میشود که دستمزد زیر هزینه بازتولید نیروی کار حفظ شود (یعنی که مصرف بازتولید کارگران را در مقیاس پایین حفظ بدارد) ؛ انتقال پولی که توسط دیگر کارگرها پرداخت میشود به این ترتیب کاهش دستمزد اجتماعی و یا معشیتی آنها ؛ بغرض پرکردن شکاف استفا ده میشود . در سال (2017) این وجه حق الامتیاز (یا پول پرداخت اضافی) پذیرفته شده کنون به بیش از (5) میلیارد دلار میرسد که از بخش امور مالی دولت پرداخته میشود هزینه ای که مجموع آن احتمالاً تا سال (2019) به (6) میلیارد دلار خواهد رسید.

مخالفت با انتقال به سرمایه داران :

خستگی بیشتر در پرداخت مالیات ؛ پرداخت مالیه سوخت است. که این موضوع خود بطور کل مجموعه مالیات است که حجم این هزینه های اجباری (مالیات ها وظایف و مشاغل اجتماعی اجباری) بطور مداوم از «41» درصد تولید ناخالص داخلی در سال (2009) به بیش از «45» درصد در سال (2007) افزایش یافته است. افزون بر آن جذب درآمد دولت نیز در حال افزایش است ؛ حکومت هشت مالیه اضافی را در مدت زمان زمامداری مکرون بین سالهای از (2017) تا سال (2018) تنظیم و بمنصه اجرا گذاشته است که عواید اعمال شده توسط دولت بیش از اندازه نسبت به تولید ثروت افزایش را نشان میدهد تا جاییکه حتی قابل توجه نیز میباشد. که این گرفت و یا دستگیری ثروت یا عاید عمده تأبزرگ بطور فزاینده با هم نابرابر هستند. کسانی که بزرگترین مقادیر و یا گروهی ای درآمد را مشاهده میکنند یا اندازه عاید خود را ملاحظه میکنند آنها بی اند که اندازه مالیه دهی شان با هر دلایلی که است کاهش یافته است و یا بگونه غیر قانونی وجعل مالیه پرداخته اند و اما بار بیشتر مالیات بردوش سایر مالیه دهندگان گرنگی میکند پس با در نظر داشت این وضع واسکت زرد پوشان عمدتاً خواهان بازگرداندن مالیات همبستگی و یا بهم پیوستگی بر اندازه ثروت هستند. که این مبلغ چهار تا پنج میلیارد ایرو میشود .

جنبش واسکت زرد پوشان همچنان مخالف مالیات مسطح (*prelevement forfaitaire*) *unique* که از تاریخ یک جنوری سال «2018» بمنصه اجرا گذاشته شده است و مالیات بر عواید سرمایه از سود سهام و سود سرمایه کاهش یافته است. ریاست جمهوری **مکرون**

(Macroon) همچنین برنامه جدیدی را برای کاهش مشارکت کارفرمایان بوجد آورد که در نتیجه هزینه کار را (یک) درصد کاهش داد؛ علاوه بر این سیستم اعتباری مالیاتی قبلی تا سال (2022) باقی خواهد ماند. وبه شرکت ها اجازه میدهد که ثمره عواید جمع آوری شده ای خود را به «40» میلیارد ابرو برسانند.

از مبارزه برای دستمزد تا تقاضای به رفندم (همه پرسى):

ارایه سوال اصلی در لفاظی ویا در معانی بیان به یک خواست عمده واسکت زرد پوشان متمرکز شده است؛ حالانکه آنها در ابتدا ویا در آغاز جنبش تنها خواسته ای در مورد دستمزدها و دفاع از قدرت خرید (داشتن توان قدرت خرید بخاطر پرکردن بیخچال های شان) خود را مطالبه میکردند که این خواسته ها موجب آغاز تظاهرات آنها شد. ابتکار برگزاری همه پرسى شهروندان به تدریج از طریق رسانه های اجتماعی پیش کشیده شد و دولت موفق به پنهان کردن اولویت های تظاهر کنندگان شد و آن اینکه دولت به خواست و مطالباتی که توسط نمایندگان تظاهر کنندگان در یک گفت و شنود مطرح شده به آواز و خواسته های آنها گوش فراداد که در نتیجه این گوش فرادادن دولت؛ موضوع بجای کشیده شد که تغییر در جهت جاگزینی مبارزه بخاطر دستمزد ها راه را برای یک حرکت مشروع باز کرد راهی که در پله ویا در صفحه مرکزی گفت وگوها متمرکز شد تغییر در ماهیت خواسته ها باعث میشود توجه تظاهر کنندگان را به چیزی غیر از آنچه که آنها در ابتدای تظاهرات مطالبه میکردند معطوف سازد. مبارزه بر سر دستمزدها مبارزه مستقیم سیاسی حمله ای بر میکانیزم های جدید بهره برداری (استثمار) میشود و این آن خواست ویا تقاضای است که زمینه اصلاحات ویا ریفورم در امور مربوطه دولت میشود تناقضی که راه ویا شرایط را برای تقویت دولت فراهم میکند.

همه پرسى؛ نتیجه این عملیات بخش های دوطرفه یعنی حرکت و برگشت؛ جایگاه طلسم (هدف عاری از احترام منطقی) را اشغال میکند یعنی که یک جسم جزیی که خود را برای کل تعویض میکند؛ این یک فضای خالی و تهی است که دولت میتواند این خلا را در صورت لزوم دید در وابستگی به احساس ضرورت های لحظه ای و با آوردن تغییر در تعادل نیروهای باهم متقابل پر کند. همه پرسى خود یک عملیات برای مهندسی ادغام با موسسات میشود که از این طریق مانع جدایی اولی از دومی و در نتیجه با هر نوع مبارزه طبقاتی مواجه میشود.

همه پرسى (کمپین استقلال ریشه ای) = Radical

(Independence campaign=RIC) تقاضای جا سازی شده

تقاضا برای یک کمپین عدم وابستگی جزیی (RIC) تا اواسط ماه دسمبر سال (2018) در حاشیه باقی مانده بود که بعداً بعنوان محور مرکزی جنبش واسکت زرد

پوشان ارایه شد تا جایکه در واقع رسانه ها (RIC) را قبل از آغاز جنبش تظاهر کنندگان درویتیترین تماشا گذاشته بودند- تظاهر کنندگان اغلباً خود را به همچو درخواست ها اینگونه ریفورم ها ویا اصلاحات محدود نمیکنند به شرطی که ان مترادف با دموکراسی باشد اما برای کارفرمایان و دولت کمپین عدم وابستگی جذری مزیت تقاضای اولیه برای بازپرداخت حد اقل دستمزد و کاهش قیمت سوحت را نشان میدهد. **یعنی تعویض نیروی کار به پیش زمینه.**

در عین حال رسانه ها توجه اقتصاد دان فرانسوی ایتانچوارد (Etienne Chouard) فرزند پوستر (RIC) را نیز به موضوع قابل بحث جذب و معطوف کردند. دولت بلا فاصله این طرح را بخوبی مورد مذاقه و توجه خود قرار داد. اودارد فیلیپ (Edouard Philippe) نخست وزیر در مصاحبه مورخ (17) ماه دسمبر سال (2018) خود با آژانس ایکوش (Echos) اظهار داشت که او «**نه می بیند**» که چگونه میتواند علیه این اصل باشد لذا بعد از این از نقطه نظر نقش اجرایی بریدیل بین رد و **ابتکا** ر موضوع مورد نظر اختلافی ایجاد شد و سپس بعد از اعتماد سازی مجدد خود به (RIC) معیار برای دموکراسی مستقیم که عوام فریبی را تشویق و خطر کشتن «نمایشگران ویا نمایندگان دموکراسی» را موجب شد زمانی است که ممکن **مکرون** را به ایده یک رفردوم برساند اما نخست وزیر او به بحث هرچه بیشتر محتاطانه متمرکز بروی (RIC) ابراز نظر داشت ؛ بحث متمرکز بروی (RIC) بخاطر ایجاد یک انحراف قابل ملاحظه نه تنها که هزینه ها نسبت به پاسخگویی به تقاضای دستمزدها بسیار ارزانتراست بلکه بیشتر از همه خواست تعبیه شده است یعنی بخواسته های اصلی دفاع از قدرت خرید اضافه میشود .

پایه داری به تقاضای اولیه :

اسامبله ویا مجلس محلی در سنت نظیر واقع در (saint nazaire) در تاریخ پنج و شش **وهفت** ماه اپریل سال (2019) با سهمگیری دوصد نماینده و بیش از یک هزار اشتراک کننده برگزار شد جلسه اولین سفارش ویا تقاضای جنبش را به ارتباط دستمزد دراس



سنت نظیر

کا رجلسه قرار دادند که بروی آن باید جروبحث صورت گیرد - اما مسله رفردوم یعنی

ابتکار عمل مردمی در این جلسه برای جروبحث بروی آن کدام ویژه گی قابل ملاحظه ای نداشت؛ رخ و متن نهایی سخن که با ید تنها در رابطه به (شکل د موکراسی مستقیم) متمرکز می بود در این جلسه جایگاه نداشت بنابراین (RIC) دیگر درجا یگاه بالاتر از همه چیز « قرار نداشت که از طرف ترویجگران اش مثل چوارد (Chouard) به پیش کشیده شده بود و توسط رسانه ها حمایت شده بود و یاکه به نشر و انتشار آن پرداخته بودند از وضع چنین اشکار بود که موضوع متذکره بعنوان بخشی از « بحث بزرگ» در مورد «دموکراسی و شهروندی» در طول یک دوره دوماهه توسط مکرون سا زماندهی شده بود که این ریزش ویا (Elision) بیانگر و ترد هر دو نتیجه گیری بوده و مهمتر اینکه از راهی به این مسله پرداخته شد که از رییس جمهور سوال صورت گرفت و او خود به سوالات پاسخ داد.

امکان برگزاری رفرندوم شهروندی کنون در سویس و ایتالیا وجود دارد با وجودیکه طبقه کارگرتوانایی تاثیرگذاری قابل توجهی برسیاست دولت ندارد و اما در مورد فرانسه ما باید حماسه ای از رفرندوم سال (2005) را در مورد معاهده برای ایجاد قانون اساسی اروپا را به یاد داشته باشیم که بیش از (54) فیصد نمایندگان ایجاد ویا داشتن قانون اساسی را برای اروپا رد کردند؛ تصمیمی در هنگام توشیح معاهده لیسبون (Lisbon) که بطور موثر نادیده گرفته شد از اینکه شامل از ویژه گی های فراملی فراتر از حد بود. رفرندوم پسندیده و قابل پذیرش و نا می هرچندی که ابتکار عمل توسط حاکمان زورگو یا مردم بود اغلباً ناتوانی خود را نشان داد- با اینحال در چارچوب سیاسی فعلی که مبتکر آن قوه مقننه است توسط قوه اجراییه باطل و خنثی میگردد. پس میتوان گفت که (RIC) میتواند تاثیر بر نهادها داشته باشد اما در جهت مخالف نسبت به آنچه که انتظار میرود طرفداران آن هستند که این امر میتواند بجای تقویت قدرت ریاست جمهوری پایان یابد.

تقویت قدرت اجرایی :

در پنجم ماه فبروری هنگام رای گیری در مجلس ملی به ارتباط خوانش اولین مصوبه پیش نویس ویا متن قانون اساسی در مورد پیشگیری از ادامه خشونت ها در حین مراسم تظاهرات و تعیین مجازات برای مجرمین و مرتکبین به اصطلاح تظاهرکنندگان؛ پنجاه نماینده به اکثریت ارا این مصوبه قانون اساسی را رد کردند و به آن رای ندادند بهر صورت این موضوع بقدر کافی قابل توجه است و آن اینکه حزب دولت **لاریپلیک** **دی مارچ** (La Republique En March) بطور کامل توسط رییس جمهور تعیین و ساخته شده است یعنی که انتخاب کنندیدها به جلسه (La Republique En March) توسط حوزه های محلی این جنبش انتخاب ویا پیشکش نشده بودند بلکه این نماینده ها از سوی یک کمیسیونی برگزیده شده بودند که اعضای آن کمیسیون توسط **مکرون** تعیین شده بود.

یک مجلس (پارلمان) حتی که اگر اکثریت اعضای آن مجلس دقیقاً در تحت نظارت و کنترل دولت و مقامات رهبری و مسول قرار داشته باشند باز هم تصویب یک مصوبه و یا یک برنامه پیش کشیده شده توسط دولت به آسانی صورت نمیگیرد و به مشکل روبرو میشود؛ پس به همین دلیل است که دومین اصلاحات و یا ریفورم های ترتیب داده شده و یا پیشنهاد شده دولت از طرف مجلس پارلمان به اکثریت آرا باطل و خنثی گردید و یا که به اصطلاح رای نیاورد.

لذا در حال حاضر رویه ها و یا برخوردهای سریع بطور قابل توجهی هرگونه امکان برای یک چانس را کاهش داده است و یا که کاهش میدهد و آنهم به بیان اینکه مصوبه پیشنهادی یک قانون اساسی که تنها بتواند در یک هنگام و در یک با رجلسه در هر دو بخش از پارلمان بعد از بازخوانی متن آن به تصویب رسد....؟

«RIC» بمثابة یک ریفورم میتواند خط مستقیم تماس میان ریس جمهور و مردم را تامین کند و به اینصورت ممکن است که موجب فراهم آوری تسهیلات برای رژیم سیاسی ریاست جمهوری (presidentialization) گردد تا جایکه حتی بتواند توان و قدرت را بگونه افراطی در دست نیروی اجرایی یعنی حکومت قرار دهد؛ پس در این وقت در (RIC) بطور مشخص آنچه تغییر بملاحظه خواهد رسید که چگونه نقش خود را بازی خواهد کرد این خود بستگی به نحوه عملکرد آن و بویژه به تعادل میان نیروهای بین موسسات و مقامات مسول دارد. که در صورت تامین تعادل میتواند در هر برهه زمان مورد استفاده قرارگیرد.

از سوی دیگر این امکان نیز وجود دارد که بطور مرتب در یک سطح بالا و بلند موجب ریفورم ها شود؛ چنانچه که در آغاز اگر رای (votes) برای مبتکران آن موفقیت بار باشد همان طور که تصویب توافقنامه لیبسون نشان داد، که تطبیق و یا وارد کردن فشار برای همیشه به نفع مردم خواهد بود که اگر در نهایت امر به مردم احترام صورت گیرد این شرط مطلوب از شرایط است که به شرایط تاریخی محدود منتهی میشود.

دولت همه مردم:

واسکت زرد پوشان بخش بزرگی از جمعیت را تشکیل میدهند؛ اما باز هم منافع خود را دارند یعنی که همانند تمام مردم نیستند. بنابراین خیزش و یا تحریک مردم را بصورت پنهان و تمایز جنبش اجتماعی را با مطالبات خاص در مخالفت با منافع کارفرمایان و یا شرکت ها سازماندهی میکنند.

با اینحال شیوه و یا اسلوبی را که جنبش خود برای خود تعیین کرده و یا میکند برای خود جنبش مشکل ساز است چونکه خواسته های بیان شده مربوط به دستمزدها و ادامه توان قدرت خرید است و این اقدامات و یا این مطالبات بعنوان یک حرکت شناخته شده از سوی خود شهروندان است. در حالیکه سوال دستمزد در مرکز همه خواسته ها و مطالبات این جنبش

قرار دارد. پس کار فرمایان بطور کل از معادله حذف میشوند. دولت بعد از آن میتواند خود را تنها بعنوان مخاطب تظاهر کنندگان تنظیم کند.

ایده ویا نظر مردم همچو جوشش آتش فشان است که تقریباً حاصل جمع نظر کل جمعیت را شامل میشود که در قدم اول نسبت به همه چیز نیا زبه وحدت بین آنها است. که در این وحدت یک فیصد ویا حتی (1،0) فیصد از الیگارشسی مالی شامل نیست. از این رو این یک مفهوم مبتنی بر تفاوت نیست بلکه یک طبقه فراگیری است که هویت آن توسط یک مخالف پیش فرض یا فوق العاده ثروتمند تمیز ویا تشخیص میشود. در حالیکه طبقات اجتماعی تنها با داشتن روابط مبارزات بین خود وجود دارند. ایده مردم که همه مخالفان طبقه را باطل وخنثی کند یک ایده (از نظر روان شناسی مفهومی) پوچی میتواند باشد که به این ترتیب اختلاف را سرکوب ویا از بین می برد و هرگونه جدایی از قدرت های تشکیل دهنده را (مبارزه طبقاتی) رد میکند این ایده ای است که اغلباً بعنوان مرجع ویا رفرنس برای ایدیولوژی های متنوع از طرف احزاب سوسیال دموکرات و رژیم های اقتدارگرا استفاده میشود.

در تاریخ نگاری فرانسه؛ اشاره ب مردم بعنوان اشتراک کنندگان اصلی وواقعی مانند پرولتاریا های شهری وروستایی ودهاتی رابه مسخره گی میگیرند یعنی که آنها را بعنوان طبقه ویا شرکت کننده اصلی ردمیکنند ویا که زیر سایه میگذارند بنا بر این وارونه گرایان و مسخ کنندگان تاریخ انقلاب فرانسه را که بیش از دو قرن؛ تا ریخ اجتماعی و سیاسی مبارزات پرولتاریای فرانسه بوده ب مردم وارونه و مسخ شده اشاعه میکنند. که این وارونه گرایی در حال حاضر تا ثیر مشا بهی خود را در جنبش واسکت زردپوشان گذاشته است تا جایکه از ترکیب طبقاتی تظاهر کنندگان انکار میکنند ویا که آن را وارونه جلوه میدهند.

(RIC) یک ریفورم سازگار با «ضد سیستم» مکرون :

تغییر در سازمان دولتی بر اساس (RIC) میتواند مسیر ریفورم های پیشین مانند آنچه که بنا م «نظام ضد سیستم» **مکرون** یاد میشود ریفورمی است که از بالا؛ سیستم نمایندگی سیاسی را باز سازی میکند که تقویت آن میتواند منجر به شکل حکومتی شود که مزایایی سیستم حزبی را کنار میگذارد و سیاست را در عمل رد ومنتفی میکند. که این خود شناخت نقاط مخالف دیدگاه های متقابل بوده که در خور علاقمندی بوده واز هرچه بیشتر تر زمینه نزدیک شدن روابط بین رییس جمهور و مردم را فراهم میسازد (RIC) میتواند به حیث یک مرحله جدید در تغییرات کنونی پیشرفت و انکشافاتی چندی را در اعمال قدرت دولتی موجب شود. بویژه به پایان دادن هر نوع میانجیگری میان جامعه مدنی.

انتخاب شدن مکرون به حیث رییس جمهور خود نمونه ای از این فرایند است که او توسط یک اقلیت کوچک از مردم فرانسه یعنی با (5،16) درصد از رای دهنده گان

ثبت نام شده انتخاب میشود. و حزب متعلق به آقای مکرون این مجوز را بدست می آورد که (60) درصد از کرسی های مجلس ملی (پارلمان) را بدست آورد. در اینجا نه تنها که انتخاب شدن **مکرون** قابل سوال است بلکه همچنین نامزد شدن او به کرسی ریاست جمهور فرانسه سوالاتی چندی را در ذهن مطرح میکند بگونه مثال: نامزدی اش به مقام ریاست جمهوری فرانسه یکسال قبل از انتخابات در جلسه گروه بنام **بیلد ربرگ (Bilderberg)** طرح وپیش بینی میشود وپیوسته به آن نخست وزیر او نیز چند ماه قبل از کناره رفتن ویا استعفی دادن اش از وظیفه قبلی تعیین میگردد. پس در واقع این نفوذ بین المللی توضیح میدهد که چرا مکرون تا حد زیادی بی تقصیر به مطالبات از شهروندان فرانسوی است. یعنی که او انتخاب شدن خود را مدیون آنها نمیداند یا که او احساس بدهکاری نمیکند.

پلیس: بمثابه عضو ویا تنه مرکزی در دولت ملی:

واسکت زرد پوشان فرانسه از مدت های طولانی خود را در معرض خلاء قدرت یافته اند یا قرار داده اند. که این نه تنها که یک تکنیک هدفمند برای انجام دادن یک پالیسی سوزانده شده زمین (**scorched earth policy**) = یک استراتژی نظامی برای سوزاندن یا نابودی ساختمان ها، محصولات زراعتی یا منبع دیگر است که ممکن است از یک نیروی دشمن مهاجم استفاده شود ازویکی پدیا.... **توسط این قلم**). در مواجهه شدن با یک جنبش اجتماعی که کنترل آن مشکل است بلکه یک عنصر متمایز در شکل فعلی برای تمرین قدرت ملی است، دومی تنها در ساحه ویا در قلمرو تحت تصرف خود توسط پلیس به سادگی واکنش نشان میدهد که هنوز در دسترس آن نیست.

از سرزنش واز سرکوبی که واسکت زردپوشان همین اکنون رنج می برند ویا به آنها برخورد سرکوبگرانه میشود در دهه های گذشته ابدأ در فرانسه دیده نشده است با وجودیکه این یک جنبش اجتماعی ناخوشونت آمیزی است که نه توانایی و نه هم تمایل به تهدید و اعمال قدرت را دارد. خوشونت پلیس هرچه بیشتر از همه پیشگام ویا پیشگیرانه است که هدف آن ایجاد ترس است که بگونه پیشگیرانه میخواهد هر فرایند تجدید اجتماعی را مانع شود ویا سد راه هر نوع تحول اجتماعی شود.

بنا بر این واسکت زردپوشان در طول تظاهرات، با پولیس مواجهه بوده اند - یعنی با یگانه تاثیر ساختار از دولت ملی (**National State**)؛ در کشورهای عضو اتحادیه اروپا حتی کشورهای بزرگی مانند فرانسه؛ نهادهای سیاسی امروزه از اکثر امتیازات مستقل از جمله سیاسی و اقتصادی محروم هستند. اکثر آنها به مقامات ذینفوس اروپایی

وبین المللی وابسته شده اند ویا به آنها تعلق گرفته اند سیاست های اجتماعی اقتصادی مانند اصلاح قانون کار؛ برنامه های ساده ای از دستور العمل های اتحادیه اروپا است.

پلیس پس از آن ویا همین اکنون به دستگاه مرکزی قدرت دولت ملی درآمده است البته به پیش کشیدن شعارهای اعم از حفظ نظم عامه در حوزه های تحت تصرف ؛ در مخالفت با جنگ ، پول ، ویا پیشبرد سیاست اقتصادی . اما حالانکه دولت ملی خود مختاری را در این سطح ویا مقیاس حفظ میکند ونسبی بودن آن مشخص شده است که با چه اندازه سختگیرانه ؛ توسط همسانی ویا همگرایی ساختاری امپریالیستی ایالات متحده امریکا محدود شده است در طول مدت (30) سال گذشته داره تحقیقات فدرال امریکا بطور مستقیم نیروهای پلیس اروپا را سازماندهی کرده است نه تنها که اداره تحقیقات فدرال تیم های این واکنش مشترک را سازماندهی کرده بلکه دستاوردهای ابتکارات آن اتحادیه ها را نیز نظارت کرده است که موثریت قوی پالیسی امریکا به شدت هرچه تمام در همه سطوح ملی ومحلی اعم از ارتباطات ؛ کنترول انترنیت ونهادهای جنایات تروریستی جدید اثرات بر اصلاحات در نظام های پلیس وقضا داشته است که اشکاراً قابل دید است .

مرکزیت دادن به نظام پولیسی در سطح ملی در کشورهای که قبلاً تمام صلاحیت های حاکمیت ملی را قبول داشتندمانند بلژیک کاملاً روشن بود . اما در حال حاضر حتی در کشورهای مانند فرانسه نیز اساسی و ارگانیک است که این خود نتیجه یک سیاست روشن انصراف تمام ملت های مستقل ملی از حاکمیت ملی وتبدیل شدن شان با قبولی پالیسی ایالات متحده امریکا است یا به عبارته ساده مرکزیت بخشی به نظام پولیسی پیامد سیاست ایالات متحده امریکا است وان اینکه تمام ملت های مستقل باید از حاکمیت ملی خود منصرف شوند و با سیاست امپراتوری ایالات متحده امریکا متحد ویک پارچه شوند .

انکار از کرکتر و اوصاف سیاسی از مبارزه برای دستمزد:

انحلال خواسته های اصلی وواقعی جنبش واسکت زرد پوشان به تقاضا وخواسته های انتزاعی بخاطر دموکراتیزه کردن دولت تنها میتواند که این جنبش را تضعیف کند یا بعبارته دیگر اگر دولت تقاضای اصلی این جنبش را به مطالبات انتزاعی برگرداند درآنصورت است که این جنبش تضعیف خواهد شد چونکه این تقاضا میتواند به مخالفت ها روبرو شود یعنی به تقویت قدرت اجرایی (حکومتی) ؛ انکار از ساختار طبقاتی جنبش حتی در برخی از اعضای خود جنبش . که پیامد آن بعنوان افریده مردم پنداشته شود حالانکه این خود نتیجه اساس فکری سازمان دولتی است که علیه جنبش واسکت زرد پوشان مبارزه میکند و خواسته های جنبش مربوط به دستمزد را جلوه میدهد ونه اقدامات آنها را بمثابة پرولتاریا که از ارزش نیروی کار دفاع کنند- و با متجلی ساختن تقاضای از جنبش به اصطلاح شهروندان به ایجاد تحرک مطالبات برای یک دولت که درکاهش دستمزدها به بیرحمی بد طولانی دارد .

در نتیجه چنین به نظر میرسد که تقاضا برای (RIC) مبتنی بر انکار از وجود دوگانه ای از واقعیت سیاسی است وفرض بر این است که دولت ملی همچنان نیروی قابل ملاحظه ای

دارد. وقانون اساسی یک مسیر تعین کننده و حیاتی است که این خود نیز انکار از کرکتر و اوصاف مستقیم مبارزه با دستمزد است؛ که مبارزه در چارچوب فعلی باید با تجمع سرمایه مواجه شود و نه بیشتر به افزایش ارزش اضافی نسبی بلکه به رشد جدید در ارزش اضافی مطلق. بهر حال بطور کلی در فرانسه و در غرب؛ میکا نیزم اصلی افزایش بهره وری «استثمار» کار در شرایط موجود ضعیف است بلکه بهره وری وابسته به کاهش دستمزد مستقیم و غیر مستقیم و همچنین به افزایش طول زمان کار و انعطاف پذیری کارگراست. مبارزه بخاطر دستمزد ها مستقیماً مبارزه سیاسی است. زیرا هرگونه افزایش ارزش نیروی کار مستقیماً به یک سیستم بهره برداری مبتنی بر اساس برکاهش ارزش مطلق نیروی کار متمرکز میشود. عملکرد دولت بعنوان یک سرمایه دار جمعی و یا بعنوان نماینده ای سرمایه داران همانطور که با ایجاد ریفورم های مختلفی میخواهد قوانین کار را از بین ببرد کاملاً مشهود است. یعنی کار اصلی عمده امروزی دولت سرمایه داری از بین بردن تضمین ها است؛ یعنی آن تضمین های که کارگران بوسیله آن میتوانند از حقوق و مزایایی کارشان دفاع کنند.

رفرنسها:

Footnotes

1. * In the June 2017 legislative elections, Macron's personally organized party, La République En Marche!, won 308 of the 577 seats.

Notes

1. ↪ Translator's note: Poujadist is a pejorative term in France. Generally, it means the referent is considered to be antiestablishment, but with a hint of anti-intellectualism and sometimes even anti-Semitism. The original Poujadists were followers of Pierre Poujade in the 1950s. Poujade founded a movement to oppose taxes and price controls, and more broadly represent the common person against the established elites.
2. ↪ "Gilets Jaunes: 2000 Condamnations Depuis Novembre, 40 % à de la Prison Ferme," Le Parisien, March 24, 2019.
3. ↪ "Violences Policières: 483 Cas Recensés par le Journaliste David Dufresne," L'Express, March 3, 2019.
4. ↪ "Gilets Jaunes: L'ONU Demande à la France d'Enquêter sur les Violences Policières," L'Opinion, March 6, 2019.
5. ↪ Aurélien Purière, "Au Nom du Pouvoir d'Achat. La Prime d'Activité, une Offensive Contre le Salaire," L'Humanité, February 1, 2019.

6. ↪ Cyril Brioulet, *“Pourquoi Tous les Travailleurs au Smic ne Vont pas Toucher 100 € de Plus par Mois,”* La Dépêche.fr, December 11, 2018.
7. ↪ *“Le CICE Changera au 1er Janvier 2019,”* Batiacu, November 18, 2018.
8. ↪ Louis Nadau, *“Face au RIC, Macron Brandit le Brexit,”* Marianne, January 16, 2019; David Revault d’Allonnes, *“Comment Emmanuel Macron Prépare un Référendum en Secret,”* Le Journal du Dimanche, February 2, 2019.
9. ↪ Maison du Peuple de Saint-Nazaire, *“Appel des Gilets Jaunes de Saint-Nazaire: Assemblée des Assemblées,”* Mediapart, April 8, 2019.
10. ↪ Michaela Wiegel, *“Grand Débat: Un Premier Bilan Décevant pour Macron,”* Courrier International, April 5, 2019.
11. ↪ *“L’Assemblée Vote la Proposition de Loi ‘Anti-Casseurs’ par 387 Voix Contre 92,”* Europe1, February 5, 2019.
12. ↪ Henri Guillemins, *“La Révolution Française (1789–1793),”* Youtube video.
13. ↪ *“Résultats des Élections Législatives 2017,”* Ministère de l’Intérieur, June 11 and 18, 2017, available at <http://interieur.gouv.fr>.
14. ↪ Jean-Claude Paye, *“Vers un Etat Policier en Belgique?,”* Le Monde Diplomatique, November 1999.
15. ↪ Jean-Claude Paye, *“Europe-Etats-Unis: Un Rapport Imperial,”* Le Monde, February 23, 2004.

(2019-07-07) **با تقدیم احترامات** -----